

الهی‌دانی برای تمام اعصار: جان کالون

استیون لاوسن

جان کالون (۱۵۰۹-۱۵۶۴) برجسته‌ترین الهی‌دان پروتستان تمام ادوار و یکی از بزرگ‌ترین مردانی است که تا کنون پا به عرصه‌ی گیتی نهاده است. بسیاری کالون را، که الهی‌دانی معروف در سطح جهانی، معلمی مشهور، یک سیاستمدار کلیسایی و اصلاح‌طلبی شجاع بود، فردی می‌دانند که از قرن اول تا به حال، بیشترین تأثیر را بر کلیسا گذاشته است. جدای از نویسندگان کتاب مقدس، کالون تأثیرگذارترین خادم کلام است که جهان به خود دیده. فیلیپ ملانکتون او را تواناترین مفسر کتاب مقدس می‌شمرد و از این رو، خیلی ساده لقب «الهی‌دان» را به او داد. چارلز اسپرجن معتقد بود کالون «حقیقت را واضح‌تر از هر فرد دیگری در تمام ادوار، شرح می‌داد، به کتاب مقدس تسلط بیشتری داشت و بسیار روشن‌تر توضیحش می‌داد.»

کالون در ۱۰ جولای ۱۵۰۹ در خانواده‌ی جرارد و جین گون در کلیسای جامع فرانسوی شهر نویان در حدود ۶۰ مایلی شمال پاریس به دنیا آمد. جرارد سردفتردار اسناد رسمی، یا مدیر مالی، اسقف کاتولیک رومی ناحیه‌ی اسقف‌نشین نویان بود و عضوی از طبقه‌ی پیشه‌وران محسوب می‌شد. در چهارده سالگی، جان وارد مؤسسه‌ی آموزشی برتر اروپا، دانشگاه پاریس، شد تا جهت آمادگی برای مقام کشیشی، الهیات بخواند. آنجا، خود را غرق در اصول رنسانس، مکتب انسان‌گرایی و دانش‌پژوهی کرد. در سال ۱۵۲۸، مرد جوان بسیار فرهیخته با مدرک کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل شد. به محض فارغ‌التحصیلی کالون، جرارد با اسقف ناحیه‌ی نویان به مشکل برخورد و همین نزاع با کلیسا منجر شد که پسر با استعدادش را به تحصیل حقوق در دانشگاه اورلئان (۱۵۲۸) و بعدتر، بورژ (۱۵۲۹) سوق دهد. کالون زبان یونانی را آموخت و بر مهارت تفکر تحلیلی و استدلال متقاعدکننده افزود؛ این مهارت‌ها بعداً، پشت سکوی وعظ ژنو بسیار به کارش آمدند. با مرگ ناگهانی جرارد (۱۵۳۱)، کالون بیست و دو ساله به پاریس بازگشت تا مسیری را دنبال کند که عاشقش بود: مطالعه‌ی ادبیات کلاسیک. بعداً دوباره به بورژ برگشت؛ در همان جا بود که تحصیل در علم حقوق را به پایان رساند و در سال ۱۵۳۲، مدرکش را گرفت.

تغییر مذهب ناگهانی

کالون در دورانی که دانشجوی دانشگاه اورلئان بود، از طریق نوشته‌های مارتین لوتر، که در محیط‌های علمی به صورت گسترده درباره‌شان بحث می‌شد، با برخی از نظریات اولیه‌ی اصلاحات آشنا شد. متعاقباً، کالون به مسیحیت گروید. او نسخه‌ای از شهادتش هنگام تغییر مذهب را در مقدمه‌ی تفسیرش از مزامیر (سال ۱۵۵۷) آورده است:

در تحصیل حقوق، با وفاداری تمام کوشش کردم تا از وصیت پدرم اطاعت کرده باشم، اما خداوند، با هدایت از طریق سرّ مشیّت الهی‌اش، سرانجام مسیری دیگر پیش روی من نهاد. در روزهای نخست، از آنجا که سرسختانه بر خرافات نظام پاپی کلیسای کاتولیک روم اصرار می‌ورزیدم و حاضر نبودم از چنان منجلاب عمیقی خلاص شوم، خداوند با تغییر مذهبی ناگهانی مرا مقهور و ذهنم را آماده‌ی دریافت تعلیمات کرد؛ ذهنی که بیش از آنچه از فردی در اوایل زندگی‌اش انتظار می‌رود، با آن اعتقادات قبلی پر شده بود. پس از اینکه قطره‌ای از طعم و دانش خداشناسی حقیقی را چشیدم، میل بیشتر دانستن به سرعت در من شعله‌ور شد. اگرچه از مطالعات دیگر دست نکشیدم، با اشتیاق کمتری به آن‌ها می‌پرداختم.

در نوامبر ۱۵۳۳، نیکلاس کوپ، رئیس دانشگاه پاریس و دوست کالون، موعظه‌ی آغازین ترم زمستان را برعهده گرفت. پیام این موعظه درخواست اصلاحات براساس عهد جدید و حمله‌ای شجاعانه به الهی‌دانان مدرّسی آن زمان بود. کوپ به سبب عقاید «شبه لوتری»‌اش، با مخالفت شدیدی روبه‌رو شد. برخی معتقدند که کالون در تنظیم موعظه به کوپ کمک کرده است؛ زیرا نسخه‌ای از متن موعظه با دست‌خط کالون موجود است. در پی این ماجرا، کالون مجبور شد پیش از اینکه دستگیرش کنند، از پاریس فرار کند. به عمارت لوییس دو تیلت رفت که مردی ثروتمند و از طرفداران اصلاحات بود. آنجا، در کتابخانه‌ی دو تیلت که سرشار از کتاب‌های الهیات بود، کالون کلام خدا و به همراهش، نوشته‌های پدران کلیسا، از همه مهم‌تر آگوستین، را مطالعه می‌کرد. به واسطه‌ی تلاش زیاد، نبوغ و فیض الهی، کالون کم‌کم به الهی‌دانی خودآموخته و والامقام تبدیل می‌شد.

در سال ۱۵۳۴، کالون به بازل در سوئیس، که به یکی از سنگرهای پروتستان‌ها تبدیل شده بود، رفت تا در خلوت به پژوهش بپردازد. در بازل، نسخه‌ی اولیه‌ی کتاب مبادی دین مسیحیت را نوشت که بعدها به مثابه‌ی شاهکار الهیاتی‌اش و مهم‌ترین کتاب دوران اصلاحات شناخته شد. در این کتاب، درباره‌ی اصول اولیه‌ی ایمان پروتستانی توضیح داد و استدلالی قانع‌کننده در جهت بیان تفاسیر اصلاح‌طلبان از کتاب مقدس ارائه کرد. مایه‌ی شگفتی است که کالون چنین کاری را در سن بیست و پنج سالگی، فقط یک سال پس از تغییر مذهبش، انجام داد. در بیست و شش سالگی‌اش، کتاب به چاپ رسید.

در سال ۱۵۳۶، کالون تصمیم گرفت به استراسبورگ در جنوب غربی آلمان برود تا در جایگاه اندیشمندی گوشه‌گیر، به پژوهش‌هایش ادامه دهد. اما جنگ میان فرانسیس یکم و چارلز پنجم، امپراتور روم مقدس، باعث شد نتواند از سراسرترین مسیر سفرش را انجام دهد. کالون مجبور شد مسیرش را به سمت ژنو کج کند. او قصد داشت فقط یک شب در ژنو بماند، اما به محض ورودش به شهر، نویسنده‌ی کتاب مبادی را شناختند. طرفداران اصلاحات او را به ملاقات ویلیام فارل بردند که به مدت ده سال، رهبری جنبش پروتستان در ژنو را برعهده داشت. مردم ژنو به تازگی رأی داده بودند که از کلیسای کاتولیک روم جدا و به شهری اصلاح طلب تبدیل شوند، اما نیازی مبرم به معلمی داشتند که حقایق اصلاحات را برایشان شرح دهد. فارل مشتاقانه از کالون خواست که چنین مسئولیتی را بپذیرد؛ در مقابل تردید کالون، فارل با لعن و نفرین تهدیدش کرد. کالون این طور قضیه را تعریف می‌کند:

فارل، که در اشتیاق ترویج انجیل می‌سوخت، هرکاری کرد تا مرا آنجا نگه دارد. هنگامی که متوجه شد قصد دارم در خلوت خود را وقف مطالعاتم کنم، و به همین منظور مایلم مشغله‌ی ذهنی دیگری نداشته باشم، و نیز فهمید که با خواهش به جایی نمی‌رسد، مرا نفرین کرد و گفت که اگر در چنان شرایط بحرانی، پا پس بکشم و از یاری رساندن خودداری کنم، خدا لعنتش را بر گوشه‌نشینی و آرامشی که دنبالش بودم خواهد فرستاد. چنین نفرینی مرا آن قدر غرق وحشت کرد که از سفر مدنظرم منصرف شدم.

کالون ابتدا به مثابه‌ی یک معلم و سپس، شبان در ژنو خدمت کرد. همراه با فارل، تلاش کرد تا زندگی و عملکرد کلیسا را با تعالیم کتاب مقدس مطابقت دهد. یکی از اصلاحاتی که انجام داد، اجرای انضباط کلیسا در مراسم عشای ربانی بود. بسیاری از شهروندان برجسته‌ی ژنو، که زندگی گناهکارانه‌ای می‌گذراندند، با این موضوع مخالفت داشتند. چنین بحرانی در یکشنبه‌ی عید پاک، ۲۳ آوریل ۱۵۳۸، به نقطه جوش رسید؛ زیرا کالون حاضر نشد مراسم عشای ربانی را برای برخی افراد سرشناس که آشکارا مرتکب گناه می‌شدند، اجرا کند. تنش‌ها چنان افزایش پیدا کرد که کالون و فارل مجبور به ترک ژنو شدند.

تبعید و بازگشت

کالون به استراسبورگ رفت؛ همان جایی که دو سال پیش قرار بود برود. هدفش از این سفر، پنهان شدن از چشم مردم بود. اما رهبر اصلاح طلبان استراسبورگ، مارتین بوسر، اصرار کرد که کالون به خدمت عمومی پشت سکوی وعظ ادامه دهد و تقریباً مانند فارل تهدیدش کرد. کالون تسلیم سخن بوسر شد و شبان تقریباً پانصد پناهنده‌ی پروتستانی شد که از فرانسه فرار کردند.

با این حال، الهی‌دان تبعیدی هنوز زمان و آزادی نوشتن در استراسبورگ را داشت. کالون شرحی بر، نامه‌ی پولس رسول به رومیان نوشت و مبادی خود را گسترش داد و به فرانسوی هم ترجمه‌اش کرد. در همان زمان، پاسخی به سادولتو را نوشت که عالی‌ترین دفاعیه‌ی اصلاحات محسوب می‌شود. پس از عزیمت کالون از ژنو، کاردینال یا کوپو سادولتو نامه‌ای سرگشاده به مردم شهر نوشت و دعوت‌شان کرد تا به کلیسای کاتولیک روم بازگردند. پدران شهر از کالون خواستند تا پاسخش را بدهد و او هم چنین کتابی نوشت که دفاعیه‌ای قانع‌کننده درباره‌ی جلال خدا در انجیل فیض است. در همین دوران در استراسبورگ، با آیدلت دی بوره ازدواج کرد؛ بیوه‌ای با دو فرزند که شادی زیادی به زندگی کالون آوردند.

پس از اینکه سه سال همراه با شادی را در استراسبورگ گذراند، پدران شهر ژنو نامه‌ای به کالون نوشتند و از او خواستند که برگردد و مقام شبانی را برعهده بگیرد. در غیاب او، اوضاع مذهبی و سیاسی وخیم‌تر شده بود. کالون در ابتدا، قصد نداشت که بازگردد. در نامه‌ای به فارل، به تاریخ ۲۹ مارس ۱۵۴۰، نوشت: «ترجیح می‌دهم صدها بار تسلیم مرگ شوم تا تسلیم آن صلیبی که روزی هزاران بار آدم را هلاک می‌کند.» اما سرانجام، علی‌رغم خطرات زیادی که می‌دانست در ژنو با آن روبه‌رو می‌شود، نظرش را عوض کرد. زندگی‌اش در مسیح را کاملاً و به‌خواست خود، به خدا وقف کرد؛ این نگرش در مهر شخصی‌اش هم قابل مشاهده بود—دستی که قلبی را گرفته بود، با این گفته در پایانش: «خداوند قلبم را تقدیم تو می‌کنم، مشتاقانه و صادقانه.» او تسلیم آنچه بود که باور داشت اراده‌ی خداست و به مقام شبانی در سوئیس بازگشت. در ۱۳ سپتامبر ۱۵۴۱، بعد از غیبتی سه و نیم ساله، به ژنو رسید. در اولین موعظه‌اش، تفسیر کتاب مقدس را ادامه داد؛ درست از آیه‌ی بعد از آخرین آیه‌ای که پیش از تبعید تفسیر کرده بود. با چنین کاری، جسورانه اظهار کرد که در دوران خدمتش، موعظه‌ی آیه به آیه‌ی کلام خدا در اولویت قرار می‌گیرد.

دومین دوران شبانی کالون در ژنو، به دو دوره تقسیم می‌شود. دوره‌ی اول، سال‌های مخالفت (۱۵۴۱-۱۵۵۵) که با مقاومت و دشواری‌های زیادی روبه‌رو شد. مخالفت کم‌کم از سوی میهن‌پرستان، قدیمی‌ترین و بانفوذترین خانواده‌های ژنو، ایجاد شد. آنان به‌شدت از کالون بیزار بودند؛ زیرا فردی خارجی بود. او با مقاومت آزادی‌طلبان نیز مواجه بود. اینان افرادی در ژنو مخالف بودند و در گناه آشکار و فساد زندگی می‌کردند. با این حال، طاقت‌فرساترین امر محاکمه‌ی میکائیل سروتوس در سال ۱۵۵۳ بود. این بدعت‌گذار مشهور را به فرمان پدران شهر، پس از فراخوانی کالون به عنوان شاهد خبره، به ستونی چوبی بستند و سوزاندند. از دیگر مصائب این دوران، مرگ پسر کالون، ژاک، فقط دو هفته پس از تولدش در سال ۱۵۴۲ و نیز مرگ همسر کالون، آیدلت، فقط نه سال پس از ازدواج‌شان بود. سرانجام، این تعارضات جانکاه فرو نشست و نه سال پایانی زندگی کالون (۱۵۵۵-۱۵۶۴) را می‌توان

سال‌های حمایت در نظر گرفت. پس از زمانی طولانی، کالون بالاخره حمایت پدران شهر را به دست آورد. با چنین پشتوانه‌ای، در سال ۱۵۵۹، براساس نمونه‌ای که در استراسبورگ مشاهده کرده بود، آکادمی ژنو را تأسیس کرد.

آکادمی مدرسه‌ای خصوصی برای درس‌های ابتدایی و مدرسه‌ای عمومی برای مطالعات پیشرفته‌تر در حوزه‌ی زبان‌های کتاب‌مقدسی و الهیات جهت پرورش خادمان، وکلا و دانشمندان برجسته داشت. در سال ۱۵۵۹، ویراست پنجم و نهایی مبادی هم به چاپ رسید. در ۱۵۶۰، کتاب‌مقدس ژنو وارد بازار شد که ترجمه‌ای انگلیسی از کتاب‌مقدس و اولین نسخه‌ای بود که شامل یادداشت‌های الهیاتی در حاشیه‌ی کتاب می‌شد. این کار عظیم، که افرادی با بهره‌گیری از تعالیم کالون انجامش داده بودند، حاکمیت جهانی خدا بر تمام خلقت را به نمایش می‌گذاشت.

کالون شبان‌هایی را که فرانسوی بلد بودند و جهت خدمت به انجیل آموزش دیده بودند، از ژنو به دیگر مناطق فرانسوی‌زبان اروپا فرستاد. اکثرشان به فرانسه رفتند. در آنجا، به دنبال رشد جنبش اصلاحات، حدود یک دهم جمعیت به این جنبش پیوسته بودند. سرانجام، هزار و سیصد میسیونر تعلیم‌دیده از ژنو به فرانسه رفتند. تا سال ۱۵۶۰، بیش از صد کلیسای زیرزمینی توسط این افراد بنا شده بود. تا سال ۱۵۶۲، تعداد این کلیساها به ۲۱۵۰ افزایش یافته بود که تعداد اعضای آن‌ها به بیش از سه میلیون نفر می‌رسید. تعداد اعضای برخی از کلیساها هزاران نفر را شامل می‌شد. چنین رشدی منجر به پیدایش کلیسای هوگنوت شد که تقریباً بر کلیسای کاتولیک ضد اصلاحات در فرانسه غلبه کرد. به‌علاوه، میسیونرهایی که در ژنو تعلیم دیده بودند در ایتالیا، مجارستان، لهستان، آلمان، هلند، انگلستان، اسکاتلند، راینلند و حتی برزیل نیز کلیساهایی احداث کردند.

خطابه‌ی خداحافظی

در اوایل سال ۱۵۶۴، کالون دچار بیماری وخیمی شد. یکشنبه ۶ فوریه، برای آخرین بار پشت سکوی وعظ کلیسای جامع پیترو مقدس موعظه کرد. در آوریل، مشخص بود که زمان زیادی زنده نخواهد ماند. کالون در پنجاه‌وپنج سالگی، با مرگ مواجه شد، همان گونه که با سکوی وعظ مواجه می‌شد—با عزمی راسخ. قدرت ایمانش، که بر حاکمیت خدا استوار بود، در آخرین شهادت و وصیت‌نامه‌اش مشهود است. در ۲۵ آوریل ۱۵۶۴، کالون چنین سخنانی را بر زبان آورد:

از خداوند سپاسگزارم، نه فقط به این خاطر که با من، مخلوق حقیرش، با رحمتش رفتار کرده است، از ورطه‌ی بت‌پرستی که گرفتارش بودم بیرونم کشیده است تا در پرتوی انجیلش قرار گیرم و مشمول آموزه‌ی نجات شوم، که به هیچ وجه شایستگی‌اش را نداشتم، و با فیض همیشگی خود، در بسیاری گناهان و کوتاهی‌ها پشتیبانم بوده است؛ گناهی که سزاوار بود به سبب آنها، صدها هزار بار مرا از درگاهش می‌راند—بلکه علاوه بر این، او تاکنون رحمت خود را بر من قرار داده است تا از من و زحمت من برای ابلاغ و اعلام حقیقت انجیل خود استفاده کند.

سه روز بعد در ۲۸ آوریل ۱۶۵۴، کالون دیگر خادمان را به کنار بسترش فراخواند و خطابه‌ی خداحافظی‌اش را برایشان خواند. به آنان هشدار داد که نبرد اصلاحات تمام که نشده هیچ، بلکه تازه شروع شده است: «هنگامی که خدا مرا به سوی خود فرا بخواند، با دردسرهایی روبه‌رو خواهید شد... اما شجاع باشید و نیروی خود را تقویت کنید؛ زیرا خداوند از این کلیسا استفاده خواهد کرد و آن را حفظ خواهد کرد و به شما اطمینان می‌دهد که از آن محافظت خواهد کرد.» پس از این سخن، مشعل اصلاحات را با دست‌ان ناتوانش به دیگران سپرد.

کالون در ۲۷ می ۱۵۶۴، در آغوش تئودور دوبز، جانشینش، جان سپرد. سخن آخرش—«تا کی ای خداوند؟»—دقیقاً واژگان کتاب مقدس بودند (مزامیر ۷۹: ۵؛ ۸۹: ۴۶). او در حال نقل قول کلام خدا، که همواره در حال موعظه‌اش بود، دار فانی را وداع گفت. این خدمتگزار فروتن، به خواست خودش، در گورستانی عمومی و با سنگ قبری بی‌نام و نشان به خاک سپرده شد.

دکتر استیون جی. لائوسون، رییس و بنیانگذار سازمان OnePassion Ministries و یکی از معلمین همکار در سازمان خدمات

لیگونیر هستند. ایشان نویسنده‌ی کتاب‌های بسیاری از قبیل *Foundations of Grace and The Passionate Preaching of Martyn Lloyd-Jones* می‌باشند.

این متن از کتاب [اصول فیض](#) نوشته‌ی استیون لائوسون برگرفته شده است.

این مقاله در مجله [تیبیل تاک](#) منتشر شده است.